



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تراجم معارف انسانی

جایگاه صادق هدایت در داستان‌نویسی

مقاله

متانت علمی و منطقی بود، اما به هر حال وی با اینگونه آثارش جریانی را در ادبیات معاصر ایران افشا نمود که بعدها معلوم شد جریان بی‌ضرری نبوده و نیست و این جریان متأسفانه نه تنها تا به امروز از میان نرفته بلکه همچنان با قوت به پیش می‌رود. به طوری که در سالهای اخیر افرادی با چسباندن نام صادق هدایت بر جلد هر کتابی، خود را «هدایت‌شناس» معرفی می‌کنند. در حقیقت گذشت زمان نشان داد که حدس قائمیان درست بوده و گردآوری مطلب در مورد صادق هدایت حرفه‌ای بی‌دردسر و منبع درآمدی راحت گردیده است.

نگاهی گذرا به آثاری که در بیست سال اخیر دربارهٔ صادق هدایت منتشر شده مطالب زیادی را روشن می‌سازد. از جمله اینکه از هر ده مورد کتاب در زمینهٔ مذکور، دست کم هفت مورد آن

در میان داستان‌نویسان ایران، صادق هدایت جایگاه ویژه‌ای دارد. چنانکه می‌توان او را به اعتباری پدر داستان‌نویسی ایران یا دست‌کم بنیانگذار حقیقی نگارش داستان کوتاه در ایران دانست. سهم هدایت در ادبیات داستانی چنان است که بسیاری از نویسندگان معاصر خواسته یا ناخواسته، و آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر سبک و سیاق نگارش وی قرار گرفته‌اند. در عین حال نام و شهرت و بزرگی وی در جامعهٔ ادبی ایران چنان ریشه‌دار و عمیق است که گاه افرادی را وسوسه می‌کند تا از نام او نانی بخورند.

این مسئله را اولین بار حسن قائمیان با نوشتن چند کتاب کوچک، همچون *خرچسونه‌ها*^۱ و *شیدایهای ادبی و آثار صادق هدایت*^۲ و آثاری از این دست مطرح نمود. هر چند که برخورد قائمیان با برخی از آثار منتشر شده در مورد صادق هدایت، قدری و گاهی به دور از



به گونه‌ای است که از آن بوی سودجویی می‌آید.

بررسی اعمال گروهی که با تکثیر غیرمجاز و غیراخلاقی آثار صادق هدایت نان می‌خورند مبحثی جداگانه را می‌طلبد و برخورد قانونی با آنان نیز وظیفه مسئولان امور فرهنگی است. این افراد آگاهانه و به عمد هر روز عنوان یکی از نوشته‌های صادق هدایت را بر جلد مجموعه‌ای از نوشته‌های او حک کرده و کتاب جدیدی جعل می‌کنند. این کار در مجموع نه به زیان هدایت که به ضرر ادبیات کشور است، چرا که با اعتماد و علاقه خوانندگان آثار ادبی برخورد غیرانسانی صورت می‌گیرد و نتیجه آن واخوردگی و سرخوردگی خوانندگان در درازمدت است.

کسانی که به شیوه فوق عمل می‌کنند، هر بار عنوان یکی از داستانهای صادق هدایت را برگزیده و بر جلد کتابی قرار می‌دهند.

سپس به دلخواه و انتخاب خود چند داستان و نوشته از هدایت را به شکل کتابی مستقل چاپ می‌کنند. با این کار و به مرور زمان تعداد کتابهای صادق هدایت به تعداد نوشته‌های وی خواهد رسید. در حالی که نویسنده بالخصوصه در زمان حیاتش آثار خود را تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، و نام‌گذاری کرده است، و اخلاق و قانون نیز حکم می‌کند که همان طبقه‌بندیها و مجموعه‌ها و نامگذاریهای مورد نظر و تأیید نویسنده ملاک همیشگی باشد.

پس از این گروه کسانی قرار دارند که با نام محقق و نویسنده به جان نام و حیثیت ادبی صادق هدایت افتاده‌اند و از نام او نان می‌خورند و گویا قبح این کار چنان کم رنگ شده که برخی از افراد سرشناس و محقق و عنوان‌دار نیز از انجام آن رویگردان نیستند. از جمله این افراد یکی از محققان شناخته شده است که در سالهای

اخیر درگذشت. این کتاب در باره زندگی و حرفه او در ۲۵۶ صفحه آن، در عمل نظر است و بقیه آن به اضافه نمونه دیگری است.

آثار صادق هدایت نام کتابی است که می‌توان به خودی خود گویاست و هیچ توضیحی برای آن جز اینکه دستمایه و سرمایه کسی قرار گیرد، تا به بهانه نوشتن مقدمه‌ای، نام خود را بر جلد کتاب بنشاند. حال سؤال اینجاست که اصولاً صادق هدایت و آثار او چه نیازی به مقدمه و معرفی دارد، آن هم مقدمه‌ای که سی و دو صفحه از حجم کتاب هفتصد و پنجاه و شش صفحه‌ای را اشغال می‌کند و در عمل معرفی گونه‌ای است از آثار نویسنده معروفی که به خودی خود شناخته شده است و نیازی به معرفی ندارد. در عین حال مقدمه‌نویس مورد بحث با صلاحیتی که در خود سراغ دارد در نوشته‌ها و سبک نگارش صادق هدایت نیز دست برده و قطعات کتاب **و ع و ع و ع** و **سها** را نه با املائی مورد علاقه هدایت بلکه با املائی صحیحاً به چاپ رسانده که این کار فی‌نفسه نوعی بدعت و نیز توهین به هدایت است.

از این نکته نمی‌توان غافل شد که فرد مورد بحث، در زمینه داستان و ادبیات محققى توانا و شایسته است و در این زمینه‌ها تاکنون چندین اثر ارزشمند و قابل قبول منتشر نموده است. حتی دربارهٔ صادق هدایت نیز این شخص برای نخستین بار کتاب جامعی از نامه‌های نویسنده سرشناس کشور را به چاپ رسانده که در نوع خود کار بسیار جالبی است. با همه اینها ظاهراً محقق محترم به دلایلی چنین تشخیص داده که لازم است به صورت جدی‌تری به هدایت نزدیک گردد. از این رو مقدمه‌نویسی بر آثار صادق هدایت را دو مرتبه دیگر تکرار نموده است. یکبار در چاپ مجدد مجموعه داستان **سگ و لگرد** ۵ اثر صادق هدایت که در این چاپ جدید، صفحات آن به ۱۶۵ رسیده و از این مقدار، ۳۷ صفحه به مقدمهٔ محقق مورد بحث اختصاص یافته است. در حالی که این مقدمه نوعی معرفی داستانهای تشکیل دهندهٔ مجموعه است.

دومین تجربه این شخص کتاب **اصفهان نصف جهان** ۶ است که در آنجا نیز محقق نامبرده مقدمه‌ای را به عنوان معرفی سفرنامهٔ هدایت ارائه نموده است. روشن نیست که این مقدمه‌ها چه چیزی را بر آثار شناخته شده و جا افتادهٔ یک نویسنده سرشناس می‌افزاید. چه چیزی غیر از اضافه شدن نام این محقق محترم بر جلد نوشته‌های صادق هدایت و در زیر نام آن نویسندهٔ بزرگ. اما یکی از سؤال برانگیزترین برخوردها با صادق هدایت طی سالهای اخیر از سوی فردی با نام مریم دانایی برومند صورت گرفته است. این شخص تاکنون دو کتاب در مورد هدایت منتشر نموده که هر دو کتاب جای بحث و حرف دارد. مورد اول کتابی است با عنوان **ارزیابی آثار و آرای صادق هدایت** ۷. این عنوان بی‌هیچ پیش نیازی بیننده را در ویتترین کتابفروشی به سوی خود می‌کشاند. چه رسد به

بر پستی کتابی که به نام **اصفهان نصف جهان** در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است. این کتاب در ۱۳۶ صفحه از آن، در عمل نظر است و بقیه آن به اضافه نمونه دیگری است.

آثار صادق هدایت نام کتابی است که می‌توان به خودی خود گویاست و هیچ توضیحی برای آن جز اینکه دستمایه و سرمایه کسی قرار گیرد، تا به بهانه نوشتن مقدمه‌ای، نام خود را بر جلد کتاب بنشاند. حال سؤال اینجاست که اصولاً صادق هدایت و آثار او چه نیازی به مقدمه و معرفی دارد، آن هم مقدمه‌ای که سی و دو صفحه از حجم کتاب هفتصد و پنجاه و شش صفحه‌ای را اشغال می‌کند و در عمل معرفی گونه‌ای است از آثار نویسنده معروفی که به خودی خود شناخته شده است و نیازی به معرفی ندارد. در عین حال مقدمه‌نویس مورد بحث با صلاحیتی که در خود سراغ دارد در نوشته‌ها و سبک نگارش صادق هدایت نیز دست برده و قطعات کتاب **و ع و ع و ع** و **سها** را نه با املائی مورد علاقه هدایت بلکه با املائی صحیحاً به چاپ رسانده که این کار فی‌نفسه نوعی بدعت و نیز توهین به هدایت است.

در واقع آنچه که گردآورنده کتاب **ارزیابی آثار و آرای صادق هدایت** ندوین نموده است، اقتباس از زحمات پیشینیان است، بدون اشاره‌ای به نام و کار آنان. به عبارت دیگر، این گردآورنده یا هر فرد دیگری می‌تواند همهٔ مطالبی را که در این کتاب گرد آمده به راحتی از چند کتاب تهیه نماید. برای مثال می‌توان آنچه را که تا سال ۱۳۴۶ خورشیدی در زمینه هدایت‌شناسی انجام شده از کتاب **عقاید و افکار دربارهٔ صادق هدایت پس از مرگ** و مطالب سالهای بعد تا سال ۱۳۵۶ را از کتاب **کتابشناسی صادق هدایت** و کل آثار ارائه شده از آغاز تا امروز را با استفاده از کتاب **برآرزش فهرست مقالات فارسی‌شناسایی کرده و با صرف اندکی وقت در کتابخانه‌ها، مجموعه‌ای شبیه کتاب **ارزیابی آثار و آرای صادق هدایت** گردآوری نمود.**

به هر حال گردآورندهٔ فوق‌الذکر با شناخت این راه بی‌دردسر کتاب دیگری نیز روانهٔ بازار نموده است با عنوان **نوشته‌های فراموش شدهٔ صادق هدایت** ۸. آنگونه که نام کتاب به خواننده القاء می‌کند و آنطور که گردآورنده مدعی گردیده، محتویات این مجموعه تنها یک بار در گذشته منتشر شده. آن هم تنها در نشریات و کتابهای زمان حیات صادق هدایت. گردآورنده مدعی است که این نوشته‌ها سالها قبل هر کدام یک بار چاپ و سپس به فراموشی سپرده شده است. گردآورنده تک تک این آثار را از جاهای مختلف فراهم آورده است. چنین ادعایی کم لطفی محض نسبت به حسن قائمیان است که پس از خودکشی هدایت، کمر همت بست و تعداد زیادی از داستانها، مقالات، ترجمه‌ها، نقدهای علمی و ادبی، و پژوهشهای مردم‌شناسی هدایت را در مجموعه‌ای با عنوان **نوشته‌های پراکنده** ۹ گردآوری نمود.

مطالب کتاب نوشته‌های فراموش شده با یک یادداشت آغاز می‌گردد که در آن نامبرده مدعی گردیده که این مطالب را با زحمت و حوصله جمع‌آوری کرده است. البته در این یادداشت از حسن قائمیان هم نام برده شده، اما تنها برای یک نقل قول که در مورد صادق هدایت بوده، و نه برای یادآوری زحمات وی یا حتی ارجاع به تحقیقات او.

بخش دوم کتاب **نوشته‌های فراموش شده**، یک سالشمار است

که باورها و باورها به اشکال مختلف تاکنون به طایفه‌ها و ملت‌ها نسبت به تفاوت مهم بین نوشته‌های فراموش شده و نوشته‌های فراموش شده معرفی یکی از اولین آثار صادق هدایت است که به طایفه‌ها و ملت‌ها دلالت می‌کند. اما اگر بخواهیم نوشته‌های فراموش شده را با مرادفای یکی از جمله کتابی که آثار صادق هدایت را معرفی کرده اند یعنی کتاب کتابشناسی صادق هدایت در دسترس قلمی را نیز معرفی نموده است این کار البته در مورد هر دو مجموعه هم فکر نوشته و آن عبارت است از ترجمه‌ای که هدایت بر روی داستان اروپایی انجام داده است. یعنی داستان که در آن یک کریم‌سن و نوحیه صادق هدایت با توجه به سبب‌های مختلف هدایت در مورد چاپ آثار خود نوشته و یا عبارت به برومندی که قائمیان به آن نویسنده داشته است. می‌توان گفت که قائمیان خود هدایت از روی آگاهی و قصد این دو متن را دو مجموعه آثار هدایت نیاورده است.

اگر چنین باشد این سؤال مطرح می‌شود که چرا گردآورنده نوشته‌های فراموش شده معرفی و تجدید چاپ این دو اثر را به رغم میل نویسنده انجام داده و آیا این کار برخلاف خواست نویسنده نیست؟

گذشته از این بحث، مقایسه دو کتاب ذکر شده در بالا نیز نکات جالبی را روشن می‌سازد. برای نمونه توضیحاتی که درباره هر یک از نوشته‌های صادق هدایت در کتاب نوشته‌های پراکنده ثبت گردیده، با تغییر عبارات و کلمات در کتاب نوشته‌های فراموش شده تکرار شده است. در عین حال گردآورنده مجموعه نوشته‌های فراموش شده با استفاده از ارجاع‌های کتاب قائمیان، هر نوشته هدایت را با معرفی نخستین زمان و مکان چاپ ارائه کرده، بی‌آنکه اشاره‌ای به کار قائمیان بنماید. در این میان نکته جالب آنجاست که در هر مورد که حسن قائمیان ارجاع نداده، گردآورنده نوشته‌های فراموش شده هم مأخذی را معرفی نکرده است. از آن جالب‌ترین آنکه حرف‌های این دو نفر در برخی موارد به حد اکثر شباهت ممکن می‌رسد. مثل توضیحی که قائمیان درباره یکی از نوشته‌های صادق هدایت بیان نموده^{۱۱} و همان توضیحات را گردآورنده مجموعه نوشته‌های فراموش شده نیز بیان کرده است و در پایان توضیحات خود اشاره کرده که مطلب مورد بحث در مقدمه نوشته‌های پراکنده موجود است. این در حالی است که تمامی توضیحات هر دو کتاب از قائمیان است^{۱۲} ولی نوع استفاده و نوع ارجاع دادن در کتاب نوشته‌های فراموش شده این مطلب را به خواننده نمی‌رساند و نقش قائمیان را کم‌رنگ و حتی بی‌رنگ می‌نماید.

از دیگر موارد قابل ذکر در مقایسه دو کتاب فوق‌الذکر، نوع ترتیب‌بندی مطالب و محتویات کتابها است. به عبارت دیگر گردآورنده کتاب نوشته‌های فراموش شده، همان ترتیب‌بندی کتاب نوشته‌های پراکنده را با یکی دو تغییر جزئی به کار برده است. تغییراتی همچون جابه‌جا کردن یکی دو مورد از نوشته‌های آغازین کتاب، و حذف یکی دو مورد از مسائل بحث برانگیز فهرست کتاب قائمیان، و افزودن چند مطلب متفاوت با ارائه نمودن ارجاع‌های متفاوت.

اما از وجوه تفاوت این دو کتاب یکی آنکه در همه فهرستها و کتابهای مربوط به معرفی آثار و زندگی صادق هدایت، مقدمه داستان ناز و نقد شیوه‌های نوین در ترجمه‌های صادق هدایت به عنوان بخشی از کارنامه هدایت ارائه شده است. اما گردآورنده کتاب نوشته‌های فراموش شده این دو اثر را در دو کتاب جداگانه و مستقل از هم هدایت و برومندی نامیده و قرار داده است.^{۱۳}

بررسی برخورد‌های غیراخلاقی با نام و آثار صادق هدایت محدود به چند موردی که در صفحات قبل ذکر شد نیست و متأسفانه گویا پایانی هم ندارد. اما اینک مجال خوبی پیدا شده تا علاقه‌مندان حقیقی صادق هدایت خط خود را از سودجویان جدا سازند، چرا که در سال ۱۳۸۱ خورشیدی که مصادف با یکصدمین سالگرد تولد این نویسنده بزرگ است، بجاست که علاقه‌مندان هدایت، و حتی مدعیان هدایت‌شناسی در پی نگارش آثاری جدید در زمینه تحلیل و بررسی آثار هدایت باشند.

پانوشته‌ها:

۱. حسن قائمیان. خرچسونه‌ها. تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳.
۲. حسن قائمیان. شیاذهای ادبی و آثار صادق هدایت. به اهتمام سعید قاسمیان، تهران، ۱۳۵۴.
۳. سیروس طاهباز. درباره زندگی و هنر صادق هدایت. تهران، زویاب، ۱۳۷۶.
۴. محمد بهارلو. مجموعه‌ای از آثار صادق هدایت. تهران، طرح نو، ۱۳۷۲.
۵. صادق هدایت. سگ ولگرد. با مقدمه محمد بهارلو، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
۶. صادق هدایت. اصفهان نصف جهان. با مقدمه محمد بهارلو، تهران، قطره، ۱۳۷۷.
۷. ارزیابی آثار و آرای صادق هدایت. گردآورنده مریم دانایی برومند، تهران، آروین، ۱۳۷۴.
۸. عقاید و افکار درباره صادق هدایت پس از مرگ. تهران، بحر خزر، ۱۳۴۶.
۹. محمد گلبن. کتابشناسی صادق هدایت. چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۵۶.
۱۰. نوشته‌های فراموش شده صادق هدایت. گردآورنده مریم دانایی برومند، تهران، نگاه، ۱۳۷۶.
۱۱. نوشته‌های پراکنده صادق هدایت. به اهتمام حسن قائمیان، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴.
۱۲. همان، صفحه چهل و چهار مقدمه.
۱۳. نوشته‌های فراموش شده صادق هدایت. صفحه ۸۷.
۱۴. همان، صفحه ۳۵۱.